بسم الله الرحمن الرحیم



جزوه درس کلیات حقوق شهروندی

نام استاد :جناب آقای مهندس سعید خاتم

دانشکده شهید کرانی سیرجان

فهرست

فصل اول-----------------------------------------------------------3

 فصل دوم-------------------------------------------------------

فصل اول

 - حقوق: حقوق جمع حق می باشد و از دیدگاه اهل لغت،فقهات و حقوقدان ها مورد بررسی قرار می گیرد . در اصطلاح فقه؛ حقوق نوعی ملکیت است که به نحوه خاصی بین مالک و مملوک وجود دارد.

حق اختیاری است که قانون برای فرد شناخته تا بتواند عملی را انجام یا ترک نماید؛ بعضی ها معتقدند حق توانایی است که به اراده اشخاص داده شده است.

 - شهروند:کسی است که حقوق جمعی و فردی خود را می شناسد واز آن ها دفاع می کند و قانون را می شناسد و به آن عمل می کند و از طرف آن مطالبه می کند؛ از حقوق معینی برخوردار است و می داند که فرد دیگری هم حضور دارد و دفاع از حقوق او یعنی دفاع از حقوق خودش و فردی که در امور شهر مشارکت دارد. پس شهروند نه تنها به معنای سکونت در یک شهر به مدت مشخص است بلکه به معنای مجموعه ای از آگاهی های حقوقی فردی و اجتماعی است.

 - قوای سه گانه عبارتنداز:

الف) قوه مقننه: وظیفه آن قانون گذاری بوده ،اعضای آن (مجلس شورای اسلامی) هر چهار سال یک بار توسط رای مردم انتخاب می گردند.

ب) قوه مجریه: وظیفه آن اجرای قوانین می باشد و رئیس قوه مجریه،رئیس جمهور می باشد که هر چهار سال یک بار توسط مردم انتخاب می گردد.

ت) قوه قضائیه: وظیفه آن نظارت بر عملکرد دیگر قوه ها بوده ورئیس آن توسط رهبر انقلاب تعیین می گردد.

 - پیشنهاد قانون از دو روش صورت می گیرد:

الف)از طریق نمایندگانمجلس تحت عنوان طرح به مجلس تقدیم می گردد.

ب) از طریق دولت (قوه مجریه) به عنوان لایحه به مجلس تقدیم می گردد.

 - شورای نگهبان:متشکل از فقها و حقوقدان ها می باشند و وظیفه آنان بررسی قوانین پیشنهادی مجلس می باشد که می بایست مطابق با شریعت و قوانین موجود باشد؛در صورت تأیید شورای نگهبان قانون پیشنهادی مجلس تصویب ولازم الاجرا می باشد و در صورت عدم تأیید شورای نگهبان قانون به مجلس بازگردانده می شود تا اصلاحات مورد نظر صورت پذیرد و مجدد به شورای نگهبان جهت تصویب ارسال می گردد.

 - منابع قانون عبارتنداز:

1.قانون:اولین و مهم ترین منبع حقوق؛ قانون است. قانون در معنای خاص، به مصوبات قوه مقننه (مجلس)گفته می شود ودر معنای عام ؛به تمامی مصوبات،بخشنامه ها،آیین نامه ها و احد نامه ها اطلاق می شود.

2.عرف و عادت: عرف و عادت دومین منبعی که در تأمین قواعد و مقررات حقوقی تأثیرگذار می باشد که مجموع آداب و رسوم یک قوم را در بر می گیرد، درواقع جایی که قانون مدون و مکتوبی وجود ندارد،می توان به عرف آن جامعه توجه کرد.

3.رویه قضایی : روابط بین انسان ها به قدری پیچیده است که گاهی نمی توان در مواردی به قانون یا عرف رجوع کرد و حکمی در آن مورد پیدا کرد، به همین خاطر به رویه قضایی توجه می شود؛ بدین معنا که آرای یکسان و مشابه ،به دادگاه ها در رابطه ی آن موضوع خاص چگونه است؛به گونه ای که هرگاه مَحاکم با چنین موضوعی روبه رو شوند به همان نحو تصمیم گیری می شود.

4.نظرات علمای حقوق: نظرات علمای حقوق که در اصطلاح دکترین حقوقی هم گفته می شود و در مَحاکِم زیاد مورد استفاده نیست،بلکه در زمان تدوین قانون کار برد دارد.

 - نظام حقوقی به دو خانواده تفسیر میشود که عبارتنداز:

1. حقوق بشری

2. حقوق الهی

 - خانواده حقوق دینی به دو دسته تقسیم بندی می شود:

1.ن ظام حقیقی : آن که نظام حقیقی تمام یا بیشتر قواعد خود را از متن دقیق گرفته باشد کهدر این صورت بیشترین ونزدیک ترین ارتباط بینحقوق و دین تحقق خواهد یافت.

2. نظام حقوقی کلیات دین : دیگر آن که نظام حقوقی کلیات و مبانی قواعد خود را از دستور های دینی الحام گرفته باشد یا کلیات و مبانی آن مورد تأیید دین باشد مانندنظام حقوقی مسیحی ها و کلیسا ها

 - اهداف حقوق شهروندی در قرآن کریم :

1. فرهنگ و ایدئولوژی مردم : نخستین هدف در حکومت اسلامی در زمینه فرهنگ و ایدئولژی مردم است زیرا نیاز های فکری و اعتقادی مردم آن زمان و چه بسا بشریت از مهم ترین اهداف رسالت پیامبر اکرم بوده است چنان چه در سوره اعراف ایه57 آمده است : پیامبر که بار سنگین را از دوش مردم برمیدارد و بندها و زنجیر ها را ازآن ها باز می کند. بدیهی است منظور از بار سنگین آداب و رسوم جاهلی و نیز زنجیر های فکری و روحی می باشد که بر نیروها و استعداد معنوی بشر سایه افکنده است.

2. حق کرامت و احترام انسانی : نخستین حق شهروند و هر انسانی ایجاد زمینه های رشد اوست پس از آن باید محیط اجتماعی فرست رشد، توسعه و کمال را به افراد بدهد بنابراین بر قراری عدالت در جامعه وظیفه هر حاکم و حق هر شهروند است (سوره هدیه آیه 24). قسط و عدل مطلوب هر انسان و در جای جای تعالیم انسانی به آن امر شده(سوره نحل آیه 90).

3. ایجاد صلح و صفا: از دیگر حقوق شهروندان در یک حکومت اسلامی زندگی در محیطی سرشار از صلح و صفا است به همین دلیل دوستی بین افراد سفارش شده است (سوره انفال آیه 1، سوره نسأ آیه 34)؛بنابرین نه تنها برادر یک دیگر شمرده شده اند ،بلکه ایجاد صلح و آشتی هم از وظایف همه ی شهروندان است.

4.حق امنیت: اسلام بر حق زیستن در محیطی انسانی تأکید دارد و آن را از حقوق معنوی شهروندان می داند . در قرآن کریم فتنه انگیزی در اجتماع بزرگ تر از قتل و خون ریزی شناخته شده است (سوره بقره آیه های 217و119). گاهی رهایی از توطئه های دشمن های داخلی و خارجی تنها با جهاد امکان پذیر است در این صورت چنین جهادی مقدس می باشد (سوره حج آیه 77) باید توجه داشت که تنها در صورتی نوبت به جنگ و خون ریزی می رسد که از طریق دیگر توان ایجاد صلح و آرامش نباشد بنابراین تأکید نخست در تعالیم دینی گفت وگو،هدایت وارشاد است.

5.حق رفاه و آسایش: از دیگر حقوق شهروندان در حکومت اسلامی برخورداری از رفاه و آرامش مادی است.ایشان حق دارند که در یک محیط امن و با آرامش مواهب هستی بهره مند گردد و به طریق دلخواه خود به کسب و کار بپردازد. قرآن کریم به مالکیت خصوصی و حق همگانی در بهره برداری از منابع طبیعی تأکید دارد ((سوره بقره آیه 168و29)(سوره حج آیه 21)(سوره طاها آیه 81)). اگر کسی در جامعه اسلامی به گونه ای به اکتساب بپردازند که تجاوز به حقوق دیگر شهروندان بپردازند حکومت اسلامی با او برخورد می کند مانند ربا(سوره بقره آیه 257)، رشوه، کم فروشی(سوره مطففین آیه 1و3)، سرقت (سوره مائده آیه 45) و از بین بردن مال یتیم (سوره نسا آیه 2و5)و...می باشد.

 - حق شهروندی از دیدگاه حضرت علی (ع):

1. حقوق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر: حضرت علی این حق را بزرگ ترین حق در میان حقوق الهی ذکر فرموده اند و اصلاح جامعه را وابسته به اصلاح هر دو دانسته اند؛ چنان په رهبر و مردم هر دو به وظایف خویش عمل نمایند و حقوق طرف مقابل را خواستارند ، حق در آن جامعه عزت مییابد وراه های دین پدیدار و نشانه های عدالت بر قرار می گردد، در این صورت مردم بر تداوم حکومت امید وار می شوند و دشمن از آرزویش مایوس می گردد. از سوی دیگر مردم و حکومت حقوق یکدیگر را پاس ندارند، وحدت کلمه از بین می رود و نشانه های ستم آشکار می شود و نیرنگ بازی در دین فراوان می گردد.

2. حقوق سیاسی شهروندان: این نکته بدیهی است که هرگاه اجتماعی از افراد تشکیل گردد، قدرتی که بتواند قوانین حاکم بر آن را اجرا کند. ضروری است امام علی (ع) نیز به ضرورت وجود قدرت یک حکومت مقتدر تشریح فرمود اند وبا فکر خوارج که در آغاز مدعی بودند با وجود قرآن، از حکومت بی نیاز هستیم، مبارزه کردند،اما از دیدگاه آن حضرت حاکمیت از آنمردم است آنان صاحبان اصلی حکومت می باشند.

3. حقوق معنوی شهروندان: یکی از حقوق شهروندان رفتار درست و انسانی با ایشان است .از دیدگاه امام علی (ع)فرمانروایان و حاکمان ،خادمان مردم هستند. اگربه درستی عمور مردم را انجام دهند؛ به وظیفه خود عمل نموده اند، هیچ گونه مِنَتی بر شهروندان ندارند بعلاوه حاکمان وظیفه دارند با شهروندان مدارا کرده و با ایشان نرم خو باشد و پیوسته در رفع احتیاجات آن ها بکوشند.

4. حق امنیت شهروندان:یکی از کارکرد های مهم در هر دولت فراهم آوردن امنیت برای شهروندان خویش است. امنیت اجتماعی از زمینه های اصلی اجرای عدالت و مناسب ترین بستر پدید آمدن تعادل در جامعه است . از مهم ترین حقوق شهروندان وجود امنیت در مقابل اشرار داخلی و حمله دشمنان خارجی است زیرا بدون امنیت نمی توان به عمور دیگر رسید، از این رو وجود سپاهی کار آزموده متخصص و متعحد لازم است که تحت فرماندهی فردی مقتدر و استوار قرار داشته باشد.

5. حقوق فرهنگی شهروندان: جایگاه فرد در اجتماع و ارتباط آن دو از اهمیت ویژه ای برخوردار است چرا که رشد آن ها در پیرو جامعه موثر است. در بینش اسلامی همه ی حقوق و وظایف برای این است که انسان به تکامل واقعی و قرب الهی برسد امتیاز ادیان الهی به ویژهاسلام نسبت به سایر مکاتب آن است، علاوه بر تأمین مسائل دنیوی مردم به فکر سعادت عبدی و اخروی آن ها است بنابراین برخورداری از فضای سالم رشد و تعالی فکری و معنوی از حقوق مسلم و غیر قابل انکار همه ی شهروندان است.

6. حقوق قضایی شهروندان: طلب حقوق شهروندان و بر قراری عدل بستگی به وجود محاکم اجرائی صالح دار که با رعایت اصول صحیح قضایی، عدالت اجتماعی را در جامعه به پا دارند. شدت اهتمام اسلام بر اجرای عدالت قضایی و بر قراری حق از دقت این شریعت درانتخاب قاضی مشهود است. حضرت علی در این مورد به مالک اشتر می نویسد؛ از میان مردم برترین فرد خود را برای قضاوت انتخاب کنید. کسی که مراجعه فراوان،او را به ستوه نیاورید و برخورد با یک دیگر او را خشمگین نسازید و در اشتباهات پا فشاری نکنید.

فرهنگ : فرهنگ عبارتند از مجموعه ای از ارزش ، بایدها و نباید ها، باور ها و هنجار ها در یک جامعه می باشد که دارای دو ویژگی است ؛ ۱ اکتسابی بودن یعنی این که ما فرهنگ را در جامعه و خانواده کسب می کنیم و بدست می آوریم و ۲ انتقال پذیری فرهنگ یعنی این که فرهنگ از نسلی به نسلی دیگر منتقل می شود

تهاجم فرهنگی : عبارتند از مقابله و زیر پا گذاشتن فرهنگ و ارزش های یک جامعه توسط گروه و یا کشوری دیگر که کاملا به صورت نامرئی و نا محسوس صورت می پذیرد و هدف آن سست کردن بنیان های فکری و ارزش های دینی می باشد که کشور های در حال توسعه دچار این مشکل می باشد که اکثراً از طریق رسانه های جمعی ،ماهواره ، فضای مجازی صورت می گیرد .

سرمایه اجتماعی : اندیشه اصلی سرمایه اجتماعی این است که خانواده ، دوستان و همکاران دارایی بسیار مهمی را تشکیل می دهند که یک فرد می تواند در شرایط بحرانی آن ها را به کار گیرد و از آن ها بهره بگیرد یا برای منافع مادی استفاده نماید البته این مسئله برای گروه بیشتر صدق می کند . این مفهوم به روابط نگرش ها، شبکه ها و اعتماد اجتماعی مربوط می شود که هم یاری در گروه ها یا بین آن ها را تسهیل می کند . سرمایه اجتماعی با کاهش هزینه های تعامل تقویت رفتار و گسترش آگاهی منافعی را برای جامعه ایجاد می کند

 - انواع سطوح سرمایه اجتماعی :

۱. سطح خرد : سرمایه اجتماعی در قالب روابط فردی و شبکه های ارتباطی بین افراد و هنجار ها و ارزش های غیر رسمی حاکم بر آن ها مورد بررسی قرار می گیرد بر این اساس سرمایه اجتماعی موضوعاتی مانند شرط و کیفیت روابط و تعاملات بین افراد و گروه ها ، احساس تعحد و اعتماد دو جانبه به هنجار ها و مشترک را شامل می شود و به عنوان یک حس تعلق پیوستی اجتماعی است .

2. سطح میانی : سرمایه های اجتماعی هم جنبه هاای از اجتماعی را دارا وهم کنش های خاص کنش گران را درون ساختار اجتماعی تسهیل می کند و در آن سازمان ها روابط بینابین هم از باشگاه ها ، انجمن ها ،این سطح شامل روابط شرکت ها و احزاب سیاسی در ضمره ی آن ها قرار می گیرد .

3. سطح کلان : این سطح شامل روابط قراردادی و ساختار های نهاد های کلان مانند دولت، حکومت سیاسی و نظام های حقوقی و قضایی می گردد . در این سطح روابط و ساختار های رسمی مانند قوانین و مقررات حاکمیت سیاسی ، میزان مشارکت سیاسی ، شکل گیری نهاد های سیاسی و اجرایی سرمایه اجتماعی را تشکیل می دهد .

تقسیم بندی نسلی حقوق بشری :

1.نسل اول حقوق بشری (حقوق مدنی و سیاسی ) : منزلت فردی همیشه در جوامع طبیعی و فاقد حاکمیت قانون از ناحیه دستگاه قدرت مورد تحدید بوده . حقوق مدنی و سیاسی دقیقا همان حقوق و آزادی هایی هستند که تعمین حریم آزادی و منزلت فردی را تضمین می کند . موضوعات مهم این بخش عبارتند از امنیت ، آزادی های گروهی )تشکیل احزاب ، انجمن ها ، حق دست رسی به محاکمه عادلانه (

۲.نسل دوم حقوق بشری (حقوق اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی ) : در حقوق نسل اول که شعار آزادی و برابری داشتن اما تفاوت های طبقاتی و اختلاف بین گروه ها باعث شد که اصل فناوری در جامعه زیر سوال برود . برای توازن این اصول و تامین ادارات نسل دوم حقوق بشری شکل گرفت که در این قسمت دخالت جدی دستگاه خدمات عمومی همراه با کمک مالی ، حقوقی و اجرایی است. در این بخش می توان از حق برخورداری از سلامت ، حق آموزش و پرورش ،حق کار و تامین اجتماعی نام برد .

۳.نسل سوم حقوق بشری( حق همبستگی ) : عزت بین المللی کردن حقوق بشر در جلوه های مختلف از سال ۱۹۴۵ به بعد الحامات جدید سیاسی و اجتماعی فراوان را نسبت به حقوق بشر به ارمغان آورده است که ابعاد خاص حقوقی بشر را به جود آورده که تحت عنوان مجموعه متمایز حقوق بشر یا حق همبستگی از آن یاد می شود که امتیاز تدوین آن متعلق به سازمان ملت متحد بوده است . مانند حق بر صلح و حق توسعه و حق بر محیط زیست سالم

 رابطه حقوق بشر با رابطه حقوق شهروندی :

۱.حقوق بشر اعم از حقوق شهروندی است : ممکن است از یک منظر چنین مطرح می شود که به دلیل جهانی بودن و فراگیر ، همه حقوق دیگر را شامل می شود بنابراین حقوق شهروندی را نیز در بر می گیرد این دیدگاه از طرفداران زیادی برخوردار است و بر این اساس حقوق بشر، دامنه جهانی دارد و همه ی حقوق انسانی را شامل می شود 'اما حقوق شهروندی دامنه ملی دارد و تنها ور مرز های داخلی جغرافیایی یک کشور معنا پیدا می کند و جزئی از حقوق بشر تلقی می شود.

۲.حقوق بشر مساوی با حقوق شهروندی است : بر اساس دیدگاه حقوق شهروندی همان حقوق بشر در واقع برداشتی دیگر از حقوق فتری و طبیعی انسان ها است . در این دیدگاه حقوق شهروندی مساوی مفهوم حقوق بشر است و مصادیق این دو مفهوم کاملا با یک دیگر منطبق هستند .

۳. حقوق شهروندی اعم از حقوق بشر است : حقوق بشر به دلیل گستردگی در عصر جدید فراتر از حقوق بشر است و علاوه بر حقوق بشر حقوق دیگری را نیز شامل می شود که لازمه زندگی در عصر جدید و با پیشرفت تکنولوژی و فناوری اطلاعات هست بر اساس این دیدگاه حقوق بشر صرفاً به طیفی از حقوق شهروندی علاوه بر فراگیری این حقوق به سطوح جزئی تر حقوق انسان ها است .

۴. حقوق بشر جدا از حقوق شهروندی است : نهاد حقوق بشر جهانی و نهاد حقوق شهروندی؛ شهروند است . روی کرد حقوق بشر هر انسان و انسان ها و اجتماع آن ها می باشد وای روی کرد حقوق شهروندی اجتماعی است که فرد به عنوان شهروند به آن تعلق دارد . موضوع حقوق بشر مسعونیت جمعی ،شخصی و وجدانی فرد است ولی موضوع حقوق شهروندی ؛حقوق شهروند در مشارکت برای سازمان دهی اجتماعی است که در آن زندگی می کند.